



نفت و برنامه دوم



- برنامه دوم: اقتصاد جهانی و چشم انداز عرضه و تقاضای نفت
- درآمدهای صادراتی نفت در برنامه دوم
- نفت، نظم نوین جهانی و تکالیف ما

پرتال جامع علوم انسانی

مدخل

بازار نفت، شرایط جدید سیاسی - اقتصادی حاکم بر جهان، جایگاه کشورهای مستثنی در سال ۲۰۰۰ و نهایتاً تصویری که این شرایط از آینده فروش نفت برای ما نسیم می‌کند، محور مباحث نفت و برنامه دوم، می‌باشد. در این بخش همچنین سعی شده است تا ضمن مروری بر چشم‌انداز اقتصاد و عرضه و تقاضای جهانی نفت، تحولات قیمت‌ها و درآمدهای صادراتی، موفقیت و جایگاه نفت در نظم نوین جهانی بررسی گردد و نهایتاً پیشنهاداتی به منظور بهینه‌سازی الگوهای فروش نفت طی دوره برنامه دوم ارائه شود.

در گزارش نخست به منظور پیش‌بینی درآمدهای صادرات نفتی کشور، طی دوره برنامه دوم ابتدا عوامل بنیادی مؤثر بر بازار نفت، نظیر چشم‌انداز اقتصاد جهانی، عرضه و تقاضای طرفیت‌های تولید، مورد بررسی قرار گرفته است.

در گزارش دوم، با استفاده از روش تحلیل تکنیکی و تحلیل رفتار بازار، محدوده نوسان قیمت نفت طی دوران برنامه دوم پیش‌بینی شده و سپس با مشخص ساختن دامنه نوسان قیمت در دو سناریوی محتمل و با این پیش‌فرض که مقدار صادرات نفت کشور طی دوره مورد نظر با مقدار صادرات ارائه شده در لایحه برنامه برابر باشد، درآمدهای صادراتی برآورد شده و با ارقام متناظر لایحه برنامه در این زمینه مقایسه گردیده است.

گزارش سوم به بررسی اوضاع سیاسی جهان در رابطه با نفت خصوصاً بعد از جنگ خلیج فارس پرداخته است. در این بررسی با تحلیل عوامل سیاسی دخیل در نظم نوین جهانی، نشان داده شده که آمریکا بعد از جنگ خلیج فارس و نفوذ بیشتر در منطقه، تنظیم بازار و قیمت نفت را بیش از گذشته به عهده گرفته است. آمریکا با ایفای این نقش در واقع سه هدف را همزمان تعقیب می‌کند: نخست، تنظیم قیمت نفت بر مبنای اوضاع اقتصاد داخلی خود. دوم، فشار به کشورهای منطقه از طریق تنظیم قیمت نفت و سوم، فشار به رقبای اروپایی و غیراروپایی. بدین ترتیب آمریکا از نفت به عنوان ابزاری در جهت رهبری خود در جهان استفاده خواهد کرد. بدیهی است هرچه اوضاع سیاسی جهان به سمتی حرکت کند که قطبهای متعدد در آن شکل گیرند، نقش فوق نیز تغییر بیشتری می‌یابد.

به نظر می‌رسد که در چنین شرایطی علیرغم این پیش‌بینی که اقتصاد جهانی از سال ۱۹۹۴ به تدریج وارد دوران رونق اقتصادی می‌گردد، به دلایل مختلف پیش‌بینی می‌شود که قیمت مواد اولیه به طور اعم و نفت خام به طور اخص، در سطح نازل فعلی، باقی بماند. تحلیل سیاسی مسأله نیز، دورنمای مایوس‌کننده‌ای برای افزایش قیمت نفت، ارائه می‌دهد. بنابراین هم شرایط سیاسی و هم شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که منجر به حفظ قیمت نفت در سطوح پایین‌تر می‌شود. با توجه به شرایط پیش‌گفته، واقعاً چه سیاستی را باید در پیش گرفت؟ برنامه باید چگونه با تحولات آتی مواجه شود و چگونه می‌توان با آفات مترقب بر اختلافات مذکور مقابله کرد؟

خوانندگان عزیز «مجلس و پژوهش» به خاطر دارند که پیش از این در مقاله‌های «مدارهای توسعه و خوداتکایی» و «اقتصاد حفاظت‌شده»، به نحوی بایسته مضامین را برشمرده و روش‌های بهینه مقابله با رویکردهای مذکور تشریح گردیده است. به گمان ما، توجه به ایده‌های مطرح شده در این مقاله‌ها، درجه آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را در مقابل نزول قیمت نفت، کاهش خواهد داد. در همین راستا، مقاله سوم به موضوع بهبود وضعیت بازاریابی و فروش نفت خام بعنوان تکالیف ما پرداخته و سپس به عنوان نمونه، یک بررسی مقایسه‌ای بین فروش نفت به صورت خام و به صورت فرآورده ارائه نموده است.

■ برنامه دوم؛ اقتصاد جهانی و چشم انداز عرضه و تقاضای نفت

کار: گروه تحقیق
مسئول گروه: ماشاء!... نژاد
با همکاری: سید علی علوی،
علی رحیم دل میدی،
بهروز خاوری همدانی

اشاره

برای پیش‌بینی درآمدهای صادراتی نفت کشور باید شرایط بازار جهانی نفت و عوامل مؤثر در آن را مورد بررسی قرار داد. مهمترین عوامل بنیادی که در بازار نفت نقش اساسی ایفا می‌نمایند عبارتند از: وضعیت اقتصاد جهانی و عرضه و تقاضای جهانی نفت. در این مقاله ابتدا چشم‌انداز اقتصاد جهان شامل کشورهای صنعتی، منطقه اقیانوس آرام و آسیا و کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته و سپس وضعیت عرضه و آینده ظرفیت‌های مازاد اروپک ارائه شده است، زیرا مازاد عرضه از جمله عوامل مهمی است که قیمت‌های نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بحث دوم، با بهره‌جستن از تحلیل پادشده، قیمت نفت تا پایان دهه جاری میلادی با استفاده از دو روش، تحلیل فنی و تحلیل رفتار بازار، پیش‌بینی شده است. در ادامه مقاله همچنین با فرض اینکه مقدار صادرات نفت کشور با پیش‌بینی لایحه برنامه دوم برابر باشد، درآمد صادراتی هر سال محاسبه و با مقادیر مندرج در لایحه مقایسه گردیده است.

نفت و برنامه دهه

خواهد شد و برعکس چنانچه رشد هر یک از این چهار کشور با مشکلاتی روبرو شود، میزان رشد قابل پیش‌بینی برای اقتصاد جهان حدود ۲ درصد یا کمتر خواهد بود.

در این مقاله با بررسی و مقایسه رشد اقتصادی و تابع تقاضای نفت در سه دوره متمایز (۱۹۷۳ - ۱۹۶۴)، (۱۹۸۵ - ۱۹۷۴) و (۱۹۹۲ - ۱۹۸۵) استدلال شده که در دهه ۱۹۹۰ علی‌رغم بهبود نسبی در شرایط اقتصادی جهان و دوره رونق اقتصادی تنها تا ۱/۳ درصد رشد سالیانه برای تقاضای نفت قابل پیش‌بینی است. زیرا ارتباط بین رشد اقتصادی و رشد تقاضای نفت رفته‌رفته ضعیف‌تر گردیده است.

عملکرد اقتصادی دهه ۸۰ میلادی و تبعات آن برای سالهای دهه ۹۰

رکود اقتصادی سالهای نخستین دهه ۸۰ به ورشکستگی و بیکاری گسترده‌ای منجر شد و تعدادی از مؤسسات اقتصادی از صحنه فعالیت خارج شدند. در این سالها شرکتهایی در صحنه رقابت باقی ماندند که از کارایی بیشتری برخوردار بودند.

رکود اقتصادی سالهای اولیه دهه ۸۰ اثرات عمیقی بر بازار کار به جای گذارد. سطح بالای بیکاری، جنبش اتحادیه‌کارگری را تضعیف نمود و توازن قدرت را به نفع سرمایه تغییر داد. کاهش فشار در بازار نیروی کار با هزینه‌های پایین انرژی (نفت) قرین گردید و بدین ترتیب حاشیه سود در

مقدمه

بررسی و پیش‌بینی شرایط اقتصادی جهان بدان جهت مفید است که میزان رونق یا رکود اقتصادی جهان بویژه در کشورهای صنعتی مستقیماً بازار نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باور کلی بر این است که کاهش قیمت‌های نفت در سال گذشته (۱۹۹۳) عمدتاً به خاطر شرایط کساد اقتصادی جهان بوده و احتمالاً رونق اقتصادی مجدد می‌تواند منجر به افزایش دوباره تقاضا برای نفت و قیمت‌های آن گردد.

پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد جهانی در سال جاری میلادی (۱۹۹۴) نسبت به چند سال گذشته از وضعیت بهتر و با ثبات‌تری برخوردار باشد و به نظر اکثر کارشناسان در سال جاری (۱۹۹۴) اقتصاد جهان بعد از گذراندن چند سال دوره کساد متوالی دوره رشد و رونق خود را آغاز می‌نماید و این رونق می‌تواند تا پایان دهه ۱۹۹۰ (تا سال ۲۰۰۰) تداوم یابد. می‌توان انتظار داشت که اقتصاد جهان در دهه ۹۰ میلادی به طور متوسط از رشدی بین ۲ تا ۲/۵ درصد برخوردار شود. بدین معنی که اگر اقتصاد کشورهای مهم صنعتی در مناطق مختلف جهان (آمریکا، آلمان، ژاپن، چین) طی سالهای دهه ۹۰ از رشد مناسبی برخوردار شوند، بدون شک این رشد، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصاد جهان خواهد داشت و رقم ۲/۵ درصد مورد پیش‌بینی، حاصل

- کشورهای صنعتی و در حال توسعه
- ۳- افزایش اختلاف در سطح متوسط زندگی در میان کشورهای در حال توسعه
- ۴- تضعیف رابطه مبادله به ضرر صادرکنندگان نفت و مواد اولیه
- ۵- وجود نوسانات در نرخ تبدیل ارز و عدم اطمینان از عملکرد این بازار

چشم انداز اقتصادی جهان در دهه ۹۰
اقتصاد جهان در سالهای نخستین دهه ۱۹۹۰ با کساد و روند نزولی فعالیتهای اقتصادی مواجه بوده است که در سال گذشته (۱۹۹۳) نیز اقتصاد جهان با رشدی یک درصدی همچنان در کساد باقی ماند. دلایل عمده وخامت اوضاع اقتصادی جهان در چند سال گذشته به شرح ذیل ذکر شده است.

- ۱- کاهش رشد اقتصاد در کشورهای عمده صنعتی (ژاپن، آلمان، و سایر کشورهای اروپایی)
- ۲- محدودیت در اعمال سیاستهای مالی انبساطی در اکثر کشورها
- ۳- مشکلات اقتصادی کشورهای در حال انتقال به اقتصاد مبتنی بر بازار (شوروی سابق)
- ۴- مشکلات اقتصادی بسیاری از کشورهای افریقایی و جنوب آسیا
- ۵- و بالاخره گرایش به حمایت تجاری در میان کشورهای صنعتی و سودآوری زیادتر رشته‌های خدماتی در سال گذشته در اقتصاد جهان، فرصتها و عواملی نیز به منصفه ظهور رسیده و انتظار

شرکتهای تولیدی را به ویژه در کشورهای ژاپن و کشورهای تازه صنعتی شده آسیا افزایش داد. حاشیه سود بالا از نقطه نظر عرضه، امکان سرمایه‌گذاریهای بیشتر و رشد اقتصادی بالا در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ را فراهم نمود. اما مجدداً اقتصاد جهان در پایان دهه ۸۰ (از سال ۱۹۸۹) با کساد و روند نزولی فعالیتهای اقتصادی مواجه گردید (جدول ۱). در دهه گذشته، فاصله اقتصادی بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه افزایش یافت و می‌توان از جمله ویژگیهای دهه ۸۰ میلادی را افزایش نابرابری اقتصادی بین کشورهای فقیر و غنی، تضعیف رابطه مبادله برای صادرکنندگان نفت و مواد اولیه و نرخ رشد منفی درآمد سرانه در آفریقا و آمریکای لاتین ذکر نمود.

در دهه گذشته، کشورهایی از نظر اقتصادی موفق بوده‌اند که اولاً اولویت زیادی برای افزایش تعداد نیروی کار آموزش یافته و ماهر قائل شده‌اند و ثانیاً نرخ بالایی در سرمایه‌گذاری داشته و این نرخ بالا را عمدتاً از محل پس‌اندازهای داخلی تأمین کردند، بدون آنکه به سرمایه خارجی به عنوان عامل اصلی توسعه اقتصادی خود متکی باشند. ویژگیهای دهه گذشته را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

- ۱- کند بودن آهنگ نرخ رشد اقتصادی جهان (در دهه ۱۹۸۰) نسبت به دو دهه قبل، همراه با نرخ رشد منفی درآمد سرانه در آفریقا و آمریکای لاتین
- ۲- افزایش نابرابریهای اقتصادی بین

نفت و برنامه دهم

نفت بیش از رشد اقتصادی جهان بود. به طوری که بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۳ مصرف جهانی نفت سالیانه ۶/۹ درصد رشد داشت و رشد اقتصادی جهان سالیانه از رشدی حدود ۵ درصد برخوردار بود. بین سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۸۵ با افزایش قیمت‌های نفت خام برای تقاضای جهانی نفت (به استثنای شوروی سابق) رشدی در حد صفر گزارش گردید. در حالی که میانگین رشد اقتصادی جهان در این دوره برابر ۲/۸ درصد بود. با کاهش قیمت‌های نفت خام در دوره ۱۹۹۳ - ۱۹۸۵ (عدم تسری کامل این کاهش به مصرف‌کنندگان نهایی قابل توجه است). اقتصاد جهان با رشد ۲ درصدی در این دوره، رشد تقاضای جهانی نفت به میزان ۲ درصد^(۱) را موجب گردید. در حال حاضر گرچه قیمت‌های حقیقی نفت برای صادرکنندگان آن با دوره قبل از شوک اول نفتی (۱۹۷۳ - ۱۹۶۰) برابری می‌نماید ولی برای مصرف‌کنندگان نهایی نفت با توجه به اعمال سیاست‌های مالیاتی بر روی نفت با دوره قیمت‌های منطقی آن (۱۹۸۵ - ۱۹۷۴) قابل مقایسه می‌باشد.

با فرض تداوم شرایط حاکم در دوره (۱۹۹۳ - ۱۹۸۵) و با رشد ۲/۵ درصدی اقتصاد جهان در دهه ۱۹۹۰ رشد تقاضای نفت براساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی ۱/۷ درصد خواهد بود. ولی با شواهد عینی تشدید سیاست‌های مالیاتی نفت و

بر این است که زمینه رشد و رونق اقتصاد جهانی طی سال‌های آینده دهه ۱۹۹۰ را فراهم نماید. این عوامل عبارتند از:

۱- بهبود وضعیت اقتصادی در چند کشور عمده صنعتی (آمریکا، انگلیس، کانادا)

۲- بهبود شرایط پولی و مالی جهان از جمله پایین بودن نرخ تورم در کشورهای صنعتی و برخی کشورهای در حال توسعه و کاهش نرخهای بهره در کشورهای صنعتی در مقایسه با دو دهه گذشته.

۳- عملکرد مطلوب اقتصادی در گروهی از کشورهای در حال توسعه

۴- ایجاد زمینه‌هایی برای رشد تجارت جهانی (تصویب موافقت‌نامه‌های گات و نفتا)

انتظار بر این است که اقتصاد جهان در سال ۱۹۹۴ به ویژه در نیمه دوم آن رشد و شکوفایی گذشته را از سر گیرد. این اولین سالی است که اقتصاد جهان از سال ۱۹۸۹ به بعد شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای می‌باشد.

رشد اقتصادی جهان در سال جاری (۱۹۹۴) از ۱/۸ تا ۳ درصد پیش‌بینی شده است (جدول ۱). تقاضا برای نفت خام مانند تقاضا برای هر کالایی علاوه بر اینکه تابع درآمد (در اینجا رشد اقتصادی) بوده تابع قیمت آن کالا (در اینجا قیمت نفت) نیز می‌باشد. قبل از شوک اول نفتی (۱۹۷۳) با قیمت‌های بین ۱/۷۵ تا ۲/۴۸ دلار هر بشکه (نفت سبک عربستان) درصد رشد تقاضای

قرار گرفته زیرا میزان بیکاری در سال ۱۹۹۳ در مجموعه کشورهای صنعتی به ۳۴ میلیون نفر یا ۸/۲۵ درصد نیروی کار بالغ گردید که این میزان در سالهای پس از جنگ جهانی دوم بی سابقه بوده است. در حال حاضر بیکاری مهمترین مشکلی است که جامعه صنعتی بویژه اروپا با آن روبه‌روست و در سالهای اخیر شرایط بازار کار شدیداً در این کشورها وخیم‌تر شده است. در سال ۱۹۹۳ اکثر کشورهای اروپایی با رشد منفی اقتصادی روبه‌رو بوده‌اند، در کشورهایی که وابستگی بیشتری به اقتصاد آلمان دارند میزان این کاهش بیشتر بوده است و انگلیس اولین کشور جامعه اروپا بود که رونق خود را تجربه نموده است و براساس گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) رکود اقتصادی در بسیاری از کشورهای اروپایی در مراحل پایانی خود می‌باشد. باور کلی بر این است که اقتصاد کشورهای صنعتی در سال جاری (۱۹۹۴) کمی بیش از ۲ درصد رشد داشته باشد (جدول ۱). به دلیل آنکه هفت کشور عمده صنعتی جهان نزدیک به ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی جهان را به خود اختصاص می‌دهند، شرایط اقتصادی این کشورها به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد. بانک جهانی متوسط رشد اقتصادی این هفت کشور عمده را در دهه ۱۹۹۰ به میزان ۲/۷ درصد پیش‌بینی می‌کند.

۱- آمریکا

آمریکا با ۵۷۲۲/۹ میلیارد دلار تولید

دست‌آویز قراردادن مسائل محیط زیست و سایر اقدامات کشورهای صنعتی، رشد سالانه تقاضای نفت بیش از ۱/۳ درصد در سالهای آینده (تا سال ۲۰۰۰) دور از انتظار می‌باشد.

عواملکرد و چشم‌انداز اقتصاد کشورهای صنعتی

در سال گذشته (۱۹۹۳) در بین کشورهای صنعتی، اقتصاد ژاپن و کشورهای اروپایی با رکود توأم بود و تمام کشورهای اروپای غربی به استثنای انگلیس و نروژ در سال گذشته تحت‌الشعاع این کساد فراگیر قرار گرفتند، اما اقتصاد آمریکا و کانادا در سال گذشته روبه‌بهودی گذارد.

کشورهای صنعتی در آغاز دهه ۱۹۸۰ نیز با رکود اقتصادی مواجه بودند (سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲) که پس از آن دوران رونق اقتصادی آغاز گردید و مجدداً از سه ماهه چهارم سال ۱۹۹۰ دوره رکود و کساد فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای صنعتی ظاهر گردید و سال گذشته (۱۹۹۳) سومین سال متوالی بود که رشد اقتصادی کشورهای صنعتی در سطحی پایین‌تر از پتانسیل اقتصادی این کشورها باقی ماند و رشد اقتصادی کشورهای صنعتی در سال ۱۹۹۳ برابر ۱/۲ درصد گزارش گردید. به نظر می‌رسد اقتصاد کشورهای صنعتی پایین‌ترین نقطه خود را پشت‌سر گذاشته و حرکت صعودی خود را آغاز نموده است. در اثر کساد اخیر اقتصادی (اوایل دهه جاری) میزان بیکاری نیز در سطح بالایی

نفت و پیرنایم دووم

و ۲/۷ درصد پیش‌بینی نموده است و دولت آمریکا نیز رشد اقتصادی این کشور را در سال ۱۹۹۴ برابر ۳ درصد و همچنین برای سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ حدود ۲/۷ درصد پیش‌بینی می‌نماید. قیمت‌های پایین نفت نیز منافع اقتصادی زیادی برای آمریکا در بر داشته است و به نظر رئیس شورای مشاورین اقتصادی کلینتون «LAURA TYSON» اگر قیمت‌های نفت‌خام در سال ۱۹۹۴ به میزان ۱۵ درصد کمتر از متوسط سال ۱۹۹۳ باشد، این امر به اندازه ۰/۲۵ درصد رشد اقتصادی بیشتر و ۰/۵ درصد تورم کمتر برای اقتصاد آمریکا خواهد بود. از اینرو نفت ارزان نقش محرک را در اقتصاد آمریکا بازی خواهد کرد. و تداوم رشد اقتصادی مهمترین عامل در افزایش محبوبیت رئیس جمهوری فعلی آمریکا و ضمانتی برای انتخاب مجدد وی به مقام ریاست جمهوری خواهد بود. رکود اقتصادی آمریکا که در سالهای اخیر یکی از موانع عمده ترقی ارزش دلار محسوب می‌شد با عملکرد و چشم‌انداز بهتر اقتصادی آمریکا باعث جذابیت دلار و ترغیب معامله‌گران به نگهداری دلار شده و می‌توان انتظار داشت که در سالهای آینده تقویت نسبی ارزش دلار تداوم یابد.

۲ - ژاپن

در بین کشورهای صنعتی، ژاپن بعد از آمریکا در رده دوم قرار دارد و ۱۵/۵ درصد

ناخالص داخلی ۳۷/۷ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی جهان (OECD) داده و تاکنون بیشترین سهم را در اقتصاد جهان دارا بوده است.

در گذشته دو ابرقدرت نظامی یعنی آمریکا و شوروی وجود داشت که برای برتری بر یکدیگر رقابت می‌کردند اما قدرت اقتصادی آمریکا بی‌رقیب بود. تحلیلگران از احتمال تقسیم دنیا به بلوکهای تجاری منطقه‌ای رقیب یعنی اروپا، آمریکا، چین و منطقه اقیانوس آرام. در اواخر دهه ۹۰ و دهه بعدی خبر می‌دهند.

اقتصاد آمریکا در نیمه اول سال گذشته (۱۹۹۳) با رشد ۱/۳۵ درصد ملایمی را تجربه نمود و شرایط اقتصادی آمریکا در نیمه دوم سال ۱۹۹۳ به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافت. بطوریکه رشد اقتصادی این کشور در کل سال ۱۹۹۳ به بیشترین میزان طی پنجسال گذشته رسید (۳ درصد). با این حال رشد اقتصادی آمریکا در دومین سال رونق خود در مقایسه با دومین سال رونق پس از رکود ۱۹۸۲ که برابر ۶/۲ درصد بود، پایین‌تر بوده و به نظر می‌رسد رونق این دوره تدریجی و ملایم باشد. سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) رشد اقتصادی این کشور را در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به ترتیب برابر ۳/۱ و ۲/۷ درصد پیش‌بینی نموده است و دولت آمریکا نیز رشد اقتصادی این کشور را در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ بترتیب برابر ۳/۱

اقتصادی ژاپن طی پنجسال آینده به میزان ۲/۱ درصد خواهد بود.

۳ - آلمان

آلمان با ۱۳۳۵/۸ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۱ سومین کشور صنعتی جهان است و ۸/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی را در آن سال عرضه نموده است. در سال گذشته (۱۹۹۳) رکود شدید آلمان موجب آن شد تا عملکرد دیگر کشورهای اروپایی نیز تحت تأثیر قرار گرفته و وخیم تر گردد. در سال ۱۹۹۳ آلمان با عمیق ترین رکود اقتصادی از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون مواجه شده است. تخفیف فشار افزایش قیمتها، توقف کاهش صادرات با توجه به افزایش سفارشات خارجی در ماههای اخیر و شرایط سیاست پولی انبساطی باید اساسی برای افزایش تدریجی رشد اقتصادی در سال ۱۹۹۴ را فراهم نماید. از طرفی کشور آلمان در ماه اکتبر ۱۹۹۴ با انتخابات روبروست از اینرو بزرگترین تلاش صدراعظم فعلی آلمان در این سال صرف بهبود اوضاع اقتصادی به منظور کسب رأی بیشتر می باشد و تضمین اشتغال کافی، ایجاد شغل های تازه و کاهش بیکاری از اولویتهای حزب حاکم خواهد بود.

۴ - فرانسه

پس از آلمان، کشور فرانسه با ۱۰۳۲/۲۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی ۶/۸ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای

تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی را در سال ۱۹۹۱ به خود اختصاص داده است. در سال گذشته (۱۹۹۳) اقتصاد ژاپن با تداوم کاهش مصرف و سرمایه گذاری خصوصی و علی رغم محرکه های مالی و اعمال سیاست پولی انبساطی با رشد منفی مواجه شد و اقتصاد این کشور حدود ۰/۵ درصد رشد منفی داشت و این دومین کاهش در تولید ناخالص داخلی این کشور از سال ۱۹۷۴ می باشد.

در شرایط اقتصادی موجود به نظر می رسد از سرگیری رونق اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۹۴ به کندی صورت می گیرد و با افزایش در مصرف خصوصی و هزینه های دولتی، ممکن است رشد اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۹۴ به ۰/۵ درصد بالغ گردد. مؤسسه تحقیقاتی «نیکو» با فرض ارزش هر دلار برابر ۱۱۲/۵ ین پیش بینی می نماید که اقتصاد ژاپن طی سال مالی ۱۹۹۴ برابر ۰/۳ درصد رشد خواهد داشت و استدلال شده است که تقویت ارزش ین (یا کاهش ارزش برابری دلار به میزان هر ین) موجب تنزل رشد اقتصادی ژاپن (به مقدار ۰/۰۳ درصد) می گردد و بدین ترتیب در صورت کاهش ارزش برابری دلار نسبت به ین به میزان ۱۰ ین (یعنی هر دلار = ۱۰۲/۵ ین طی سال ۱۹۹۴) موجب می گردد که رشد اقتصادی ژاپن در سال جاری (۱۹۹۴) برابر صفر گردد.

بر اساس بررسی انجام شده از سوی دولت ژاپن که نتایج آن اخیراً منتشر شده، پیش بینی شده است که میانگین رشد

نفت و پرنایمۀ دوم

۶ - انگلیس

کشور انگلیس با ۸۹۵/۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و دارا بودن سهم ۵/۹ درصدی، در رده‌بندی اقتصاد کشورهای صنعتی در رتبه ششم قرار دارد.

نگاهی به عملکرد اقتصادی سی ساله گذشته انگلیس حاکی از افزایش شدید تورم پس از پیدایش دوره رونق و شکوفایی اقتصادی است که پس از دوره‌ای به رکود منتهی شده است. این روند به ویژه در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ آشکار می‌باشد به طوری که رشد بالای اقتصادی سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ باعث شد سطح درآمدها افزایش قابل توجهی یافته و نرخ تورم نیز افزایش یافت.

نرخ بالای تورم سعی شد از طریق افزایش شدید نرخ بهره مهار شود. از این رو نرخ تورم از ۷/۱ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۲ درصد در سال ۱۹۹۳ محدود گردید. لیکن همراه با آن انگلیس در رکود اقتصادی عمیقی در سال ۱۹۹۱ فرو رفت که از زمان جنگ دوم جهانی بی‌سابقه بود. رونق اقتصادی انگلیس که از بهار سال ۱۹۹۲ شروع شده طی سال گذشته (۱۹۹۳) نیز تداوم یافت. پایین نگهداشتن سطح دستمزدها و در کنار آن افزایش کارایی کارگران، صنایع انگلیس را به یکی از کم‌هزینه‌ترین صنایع اقتصادهای بزرگ اروپا تبدیل کرده است. در سال ۱۹۹۳ رشد اقتصادی انگلیس حدود ۲ درصد گزارش گردید و به نظر می‌رسد که اقتصاد انگلیس

صنعتی را به خود اختصاص داده و چهارمین کشور صنعتی قلمداد می‌گردد. برای اقتصاد فرانسه در سال ۱۹۹۳، رشد منفی ۰/۷ درصد برآورد گردیده و به نظر می‌رسد که اقتصاد فرانسه مرحله پایانی رکود را در سال گذشته سپری نموده و در سال جاری بهبود فعالیت‌های اقتصادی با آهستگی شروع شده است. از آنجا که اقتصاد فرانسه و آلمان شدیداً به هم وابسته‌اند بنابراین بعید است اقتصاد فرانسه بدون رونق اقتصادی آلمان بهبود اساسی یابد، در مورد رشد اقتصادی یک درصدی فرانسه در سال ۱۹۹۴ اتفاق نظر کلی وجود دارد.

۵ - ایتالیا

کشور ایتالیا در ردیف پنجم اقتصاد صنعتی قرار دارد و در سال ۱۹۹۱ تولید ناخالص داخلی این کشور ۹۷۱/۵۳ میلیارد دلار بوده و ۶/۴ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی را به خود اختصاص داده است. رکود اقتصادی که از پاییز ۱۹۹۲ بر این کشور حاکم بود در اواسط ۱۹۹۳ نقطه اوج خود را پشت سر گذاشت و به دنبال کاهش ارزش لیر در سپتامبر ۱۹۹۲ و سیاست پولی انبساطی که از طریق کاهش نرخهای بهره صورت گرفت اقتصاد ایتالیا به تدریج بهبود یافت. پیش‌بینی‌های اخیر حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۱۹۹۴ تا ۱/۷ درصد رشد نماید (جدول ۱).

طی چند سال آینده از بهبودی قابل توجهی برخوردار خواهد شد. (جدول ۱)

۷- کانادا

آخرین کشور در میان هفت کشور عمده صنعتی جهان کانادا است که با ۵۳۱ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی ۳/۵ درصد سهم از مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی را به خود اختصاص داده است. اقتصاد کانادا در سال ۱۹۹۳ با رشد ۲/۵ درصدی در مسیر رونق مستحکم و بادوامی قرار گرفته است. انتظار می‌رود صادرات کانادا نیز به سبب رونق اقتصادی آمریکا که طرف عمده تجاری این کشور است افزایش یابد. زیرا در سال ۱۹۹۳ حدود ۸۰ درصد از کل صادرات کانادا به آمریکا ارسال شد.

تحولات در جامعه اروپا

در دهه ۱۹۹۰ دو واقعه مهم اروپا را کانون توجه جهان قرار داده است:

۱- اروپای متحد که در اروپای غربی به نظر می‌رسد جامعه اروپا تا حدی یکپارچه می‌گردد و در سال گذشته (۱۹۹۳) موانع بازرگانی بین کشورهای عضو جامعه اروپا (EC) از میان برداشته شد و جامعه اروپا به اتحادیه اروپا (EU = EUROPEAN UNION) مبدل شده و در نظر است با پیوستن تدریجی اعضای جدید (سوئد، فنلاند، اتریش، نروژ و ایسلند) یک بلوک اقتصادی متشکل از ۱۷ کشور، بزرگترین منطقه تجاری آزاد دنیا را تشکیل دهند که در آن کالا، سرمایه و کار آزادانه مبادله خواهد شد

۲- در اروپای شرقی کمونیسم منحل گردیده و تجربه انتقال از برنامه‌ریزی متمرکز به بازار آزاد در جریان است. اروپا شانس ایسین را دارد که در دهه ۱۹۹۰ سریع‌الرشدترین منطقه جهان باشد.

تحولات در منطقه اقیانوس آرام و آسیا

پیش‌بینی می‌شود که در دهه ۱۹۹۰ بلوک اقتصادی قدرتمندی نیز در حوزه اقیانوس آرام - منطقه‌ای که از نظر رشد و پویایی اقتصادی در چند سال اخیر پیشگام کشورهای جهان بود - ایجاد شود.

سیاست توسعه صادرات کشورهای آسیایی سبب تسریع رشد تجارت و اقتصاد این کشورها شده و کشورهای تازه صنعتی شده آسیا و اقیانوس آرام در حال حاضر کالاهای صادراتی خود را متنوع کرده و دیگر صرفاً مواد اولیه به خارج ارسال نمی‌کنند بلکه، تولیدات کارخانه‌ای قابل رقابت با تولیدات سایر کشورها در زمره صادرات آنها محسوب می‌شود. به نظر بانک جهانی سریع بودن رشد اقتصادی این کشورها در جهان به واسطه:

- ۱- سرمایه‌گذاری داخلی از سوی بخش خصوصی،
- ۲- رشد سریع نیروی متخصص،
- ۳- میزان بالای سپرده‌ها در سایه مدیریت کارآمد دولتی بوده است،
- مضافاً اینکه این کشورها بطور کامل از سیاست بازار آزاد پیروی ننموده بلکه اکثراً سیاستهای دخالتی در پیش گرفته‌اند و نیز
- ۴- پایین بودن نسبی فساد مالی بین کارکنان دولت و
- ۵- کارآیی دستگاههای دولتی،

نفت و پیرنایم دومی

بخش دولتی را قادر به رقابت با بخش خصوصی کرد و در ضمن با خصوصی سازی راههای توسعه بخش خصوصی را نیز هموار نمود بطوریکه سهم بخش خصوصی در تولید صنعتی از ۲۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۶ درصد در سال ۱۹۹۱ افزایش یافت.

چین از نظر جمعیت بزرگترین کشور جهان است و در اقتصاد جهانی از طریق تولید پارچه و کفش و نظایر آن نقش بارزی ایفا کرده است، این کشور در طول دهه ۱۹۸۰ به آزادسازی اقتصادی دست زد و انگیزه های بازار را وارد میدان کرد با رشد سالیانه نزدیک به ۱۰ درصد یکی از موفق ترین اقتصادهای جهان بوده است. در این کشور درآمد روستاییان در عرض مدت ۶ سال دوبرابر شده است. کشور چین همیشه از نظر سیاسی و نظامی مهم خواهد بود و چنانچه تجربیات موفق اقتصادی خود را در دهه ۱۹۹۰ نیز تکرار نماید به سطوح خیلی بالاتر درآمد نائل گردیده تأثیر اقتصادی آن بر بقیه جهان قابل ملاحظه خواهد بود.

عملکرد و چشم انداز اقتصادی کشورهای در حال توسعه

رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در سال گذشته (۱۹۹۳) برابر ۶/۱ درصد گزارش گردید که این رشد بیشتر مرهون رشد قوی در کشورهای حوزه

۶- با یک خط مشی مناسب اقتصادی قلمداد گردیده است. کشورهای آسیایی در سالهای آینده نیز با بهبود اوضاع اقتصادی جهان و افزایش صادرات به کشورهای صنعتی رشد اقتصادی چشمگیری خواهند داشت.

تحولات در چین

پیش بینی می شود که اقتصاد منطقه چین (CEA) شامل کشورهای چین، هنگ کنگ و تایوان بصورت چهارمین قطب رشد اقتصادی جهان در آید. کشور چین براساس آمارهای اقتصادی، در دهه گذشته موقعیت های اقتصادی زیادی به دست آورده است و در سال ۱۹۹۳ با رشد اقتصادی ۱۳ درصدی بهترین عملکرد اقتصادی را داشته است. فعالیتهای اقتصادی با سرمایه گذاری خارجیها در چین در سال گذشته ۲۵ درصد از کل تجارت خارجی چین را تشکیل می داد و بزرگترین منابع سرمایه گذاری خارجی برای چین کشورهای هنگ کنگ، تایوان، ژاپن و آمریکا محسوب می شوند. کشور چین به جای واگذاری قسمت اعظم داراییهای دولت به بخش خصوصی مانند آنچه که هم اکنون در روسیه، اروپای شرقی، آفریقا و برخی از نقاط دیگر جهان در دست انجام است، اصلاحات اقتصادی خود را با پرداخت حقوق بهتر و ایجاد دیگر انگیزه ها به همراه اصلاحات قیمت و بازار عملی نمود و

اقیانوس آرام، کشورهای تازه صنعتی شده آسیا و رونق اقتصادی در چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل و عملکرد مطلوب اقتصادی در کشور چین می‌باشد.

در گروه کشورهای در حال توسعه در سال گذشته بسیاری از کشورهای آفریقایی و جنوب آسیا کماکان با معضلات فراوان اقتصادی روبرو بودند و کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی نیز با مشکلات عدیده‌ای گریبانگیر بودند. کشورهای صادرکننده نفت نیز از سال گذشته با قیمتهای پایین نفت خام، تحت فشار شدید اقتصادی قرار گرفته‌اند. کشورهای در حال توسعه به دلیل وابستگی به بازارهای خارجی و منابع محدود، بیش از همه از تغییرات روند اقتصاد جهانی متأثر می‌شوند. براساس گزارش سازمان ملل که از سوی کمیسیون تجارت و توسعه اقتصادی این سازمان (آنکتاد) تهیه شده است، تحولات اقتصادی اروپای شرقی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. این گزارش حاکی است کشورهای اروپای شرقی با ایجاد تحولات فوق‌العاده سریع، دچار شوک‌های اقتصادی شده‌اند و این شوکها موجب از میان رفتن نظام اقتصاد دولتی سابق شده ولی به ایجاد نظام اقتصاد بازار نیز منجر نگردیده، از اینرو تولیدات صنعتی اروپای شرقی از زمان آغاز تحولات سیاسی و اقتصادی به یک سوم کاهش پیدا کرده است. این گزارش پیش‌بینی می‌نماید که کشورهای آفریقایی از شانس زیادی برای توسعه اقتصادی برخوردار

نمی‌باشند و حتی در آن دسته از کشورهای آفریقایی که از برنامه توسعه اقتصادی گسترده‌ای برخوردارند، هفتاد سال وقت لازم است تا درآمد سرانه دوبرابر شود. این گزارش خاطر نشان می‌سازد که کشورهای در حال توسعه همچنان با گرداب افزایش بدهی خارجی مواجه‌اند و این معضل هنوز از میان نرفته است.

بانک جهانی پیش‌بینی نموده است که کشورهای در حال توسعه طی ده سال آینده بطور متوسط سالانه $\frac{4}{8}$ درصد رشد اقتصادی خواهند داشت که نسبت به رشد $\frac{2}{7}$ درصدی دهه گذشته، افزایش خواهد داشت. این برآورد مبتنی بر اصلاحات اقتصادی گسترده و آزادی تجارت و تأثیر موافقتنامه گات و تعدیل نرخهای ارز می‌باشد و همچنین رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در گروی رشد اقتصادی کشورهای صنعتی می‌باشد. میزان رشد اقتصادی کشورهای صنعتی که در سال گذشته (۱۹۹۳) تنها $\frac{1}{2}$ درصد بود طی دهه ۱۹۹۰ بطور متوسط سالانه $\frac{2}{7}$ درصد رشد پیش‌بینی شده است. (جدول ۴)

تحلیلها نشان می‌دهد که در کوتاه مدت یک درصد کاهش رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی موجب $\frac{1}{4}$ درصد کاهش در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌گردد و در میان مدت نیز کاهش یک درصدی رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی موجب $\frac{1}{7}$ درصد کاهش رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می‌شود.

نفت و پرنامه دوتوم

جدول ۱- عملکرد و پیش‌بینی رشد اقتصادی کشورهای جهان در کلاه مدت

کشور	۱۹۹۴												۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱		
	۱۹۹۰			۱۹۹۱			۱۹۹۲			۱۹۹۳							
	POLL	IMF	GOLDMAN	NATWES	OECD	POLL	IMF	GOLDMAN	NATWES	OECD	POLL	IMF				GOLDMAN	NATWES
آمریکا	۲.۸	۲.۴	-	۲.۵	۲.۸	۲.۹	۲.۴	۲.۵	۲	۲.۱	۳	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۴
ژاپن	۲.۳	۲.۳	۱.۵	۲.۵	۲.۳	۲.۵	۲.۳	۲.۲	۱.۲	۲.۵	۱.۲	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۳
آلمان	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۲	۱.۲	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۸	-۱.۵	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۸
فرانسه	۲.۴	۲.۴	۲.۲	۲.۲	۲.۳	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۲.۳	۱.۱	-۲.۷	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۲
ایتالیا	۲.۳	۲.۵	۲.۲	۲.۳	۲.۳	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۲	۱.۱	-۲.۷	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۲
انگلیس	۲.۸	۲.۸	۲	۲.۵	۲.۹	۲.۸	۲.۵	۲.۸	۲.۴	۲.۸	۱.۹	-۲.۴	۲.۸	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۴
ISUK	۳.۳	۳.۱	۲.۴	۲.۴	۳.۱	۲.۵	۲.۵	۲.۴	۲.۸	۲.۷	۲.۴	-۲.۷	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۴
کشورهای صنعتی	-	۲.۴	۲.۴	۲.۵	۲.۷	-	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۱	۱.۲	۱.۷	۱.۷	۱.۷	۱.۷	۱.۷	۱.۷
کشورهای در حال توسعه	-	۵.۸	-	-	-	-	۵.۵	-	-	-	۴.۱	۵.۸	۵.۸	۵.۸	۵.۸	۵.۸	۵.۸
شوروی سابق	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-۲.۴	-۱.۷	-۱.۷	-۱.۷	-۱.۷	-۱.۷	-۱.۷	-۱.۷
اقتصاد جهان*	-	۲.۷	-	-	-	-	۳	۲.۸	۲.۴	-	۱	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷	۲.۷

منابع جدول:

IMF: WORLD ECONOMIC OUTLOOK, APRIL 1994

OECD: ECONOMIC OUTLOOK, DEC 1993

NATWEST: NATIONAL WESTMINSTER BANK, FEB 1994

GOLDMAN: GOLDMAN SACHS, MARCH 1994

POLL: THE ECONOMIST, POLL OF FORECASTERS, APRIL '94

* IMF & UN, 1994

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بحث نخست اقتصاد جهان در سال ۱۹۹۳ عمدتاً بواسطه عملکرد ضعیف اقتصادی در اکثر کشورهای صنعتی در شرایط کساد و کاهش فعالیت‌های اقتصادی سپری نمود و رشد اقتصادی جهان در این سال تنها یک درصد برآورد گردید. اقتصاد جهان پس از چند سال کسادی بنظر می‌رسد در سال جاری (۱۹۹۴) به تدریج وارد مرحله رونق اقتصادی گردیده و با رشد سالانه ۲/۵ درصد طی دهه ۱۹۹۰ تداوم یابد. ولی شکوفایی اقتصادی گسترده نبوده بلکه بیشتر به بلوکهای اقتصادی عمده محدود می‌گردد و در عین حال قیمت نازل مواد اولیه و نفت خام به رونق و شکوفایی بسیاری از

کشورهای در حال توسعه که برای پیشرفتشان به صادرات مواد اولیه و نفت خام متکی هستند همچنان آسیب می‌رساند. در دهه ۱۹۹۰ پیش‌بینی می‌شود قیمت حقیقی بسیاری از مواد اولیه و نفت خام تقریباً در همین سطح نازل فعلی باقی بماند. تنها در مورد غلات، روغن نخل، سویا و گوشت انتظار می‌رود که قیمت‌های حقیقی در دهه ۱۹۹۰ تقویت شود. این دورنمای مایوس‌کننده برای کشورهای صادرکننده مواد اولیه ناشی از این گرایش می‌باشد که الگوی تقاضای نهایی، کم‌تر ماده بر (MATERIAL-INTENSIVE) گشسته و همچنین از جایگزینی مواد جدید تأثیر پذیرفته است و در مورد نفت خام با اعمال

جدول ۲- پیش‌بینی درصد رشد اقتصادی کشورهای جهان در میان مدت ۱۹۹۴ - ۱۹۹۷

سال	۱۹۷۹ - ۱۹۸۸	۱۹۹۴ - ۱۹۹۷
نام کشورها		
آمریکا	۲/۵	۲/۹
ژاپن	۴/۱	۳/۵
آلمان	۱/۸	۳/۱
فرانسه	۲/۲	۳
ایتالیا	۲/۷	۲/۳
انگلیس	۲/۳	۲/۸
کانادا	۳/۲	۴
مجموع کشورهای صنعتی	۲/۷	۳
آفریقا	۱/۹	۳/۹
آسیا	۷/۴	۶/۴
خاورمیانه	۶/۷	۷/۲
مجموع کشورهای در حال توسعه	۲/۷	۴/۷

I MF, WORLD ECONOMIC OUTLOOK

نفت و برنامه دهم

توسعه برای افزایش درآمدهای صادراتی خود بستگی به ایجاد تنوع مداوم در تولیدات کالاهای صنعتی و کالاهای صادراتی با ارزش افزوده بالا خواهد داشت.

سیاستهای مالیاتی و مستمسک قرار دادن محیط زیست با محدود نمودن رشد تقاضای نفت در حد ۱/۳ درصد در دهه ۱۹۹۰ به قیمتهای نفت خام فشار وارد خواهد شد. لذا توانایی کشورهای در حال

جدول ۳- پیش‌بینی‌های در صد رشد تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای جهان طی سالهای دهه ۱۹۹۰ (۲۰۰۰ - ۱۹۹۱)

بانک جهانی	آنکتاد	کمیسیون اقتصادی اروپا	اداره اقتصادی سازمان ملل
۲/۴	۲	۲/۲	۲
کشورهای صنعتی			
۱/۷	۱/۵	۱/۶	۱/۸
اقتصاد جهانی			

جدول ۴- شاخصهای عمده اقتصادی جهان در دهه ۱۹۹۰ درصد

شاخصها	۱۹۹۲-۲۰۰۲
رشد اقتصادی هفت کشور عمده صنعتی جهان	۲/۷
رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه	۴/۸
تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای در حال توسعه	۲/۹
رشد اقتصادی آمریکای لاتین و کارائیب	۳/۹
آسیای شرقی و اقیانوس آرام	۷/۳
آسیای جنوبی	۵/۳
حجم تجارت جهانی	۵/۸
تورم در هفت کشور عمده صنعتی	۳/۲
افزایش حقیقی قیمت نفت خام	۰/۸
رشد اقتصادی جهان	۲/۵

جدول شماره ۵- پیش‌بینی‌های رشد اقتصاد جهان طی سالهای دهه ۹۰ (۲۰۰۰ - ۱۹۹۰)

بانک جهانی	آنکتاد	کمیسیون اقتصادی اروپا	اداره اقتصادی سازمان ملل
۲/۷	۲/۲۵	۲/۵	۲/۲
کشورهای صنعتی			
۲/۵	۲/۲	۲/۳	۲/۶
اقتصاد جهان			

می تواند نمای محتمل و کلی تعادل عرضه و تقاضای نفت خام را ترسیم نماید و از سوی دیگر کشورهای تولید کننده و صادرکننده نفت خام با توسعه و سرمایه گذاری در ظرفیتهای نفتی خود به هر حال نیاز به بازگشت سرمایه های خود دارند، بنابراین

پیش بینی عرضه و تقاضای نفت تا سال ۲۰۰۰

یکی از موارد مهم و تعیین کننده در بازار نفت، موضوع ظرفیتهای تولید نفت خام می باشد. زیرا از یک سو وجود ظرفیتهای تولید نفت خام در مقایسه با تقاضای نفت خام

جدول ۶- ظرفیت تولید نفت خام اوپک / میلیون بشکه در روز^(۱)

سال	متوسط تولید سالانه	ظرفیت تولیدی	ظرفیت مازاد	درصد بهره وری
۱۹۷۹	۳۰/۹۳	۳۹	۸/۰۷	۷۹/۳
۱۹۸۰	۲۶/۸۸	۳۴	۷/۱۲	۷۹/۱
۱۹۸۱	۲۲/۶۰	۳۴	۱۱/۴۰	۶۶/۵
۱۹۸۲	۱۸/۹۹	۳۱/۵۰	۱۲/۵۱	۶۰/۳
۱۹۸۳	۱۶/۹۹	۲۲	۱۵/۰۱	۵۳/۱
۱۹۸۴	۱۶/۳۵	۲۸	۱۱/۶۵	۵۸/۴
۱۹۸۵	۱۵/۴۵	۲۷/۵۰	۱۲/۰۵	۵۶/۲
۱۹۸۶	۱۸/۳۳	۲۷/۸	۹/۴۷	۶۵/۹
۱۹۸۷	۱۷/۳۲	۲۷/۸۰	۱۰/۴۸	۶۲/۳
۱۹۸۸	۱۹/۶۲	۲۶/۵۰	۶/۸۸	۷۴
۱۹۸۹	۲۱/۳۴	۲۶/۷۰	۵/۳۶	۷۹/۹
۱۹۹۰ ^(۲)	۲۲/۹۷	۲۷	۴/۰۳	۸۵/۱
۱۹۹۱ ^(۳)	۲۳/۲۸	۲۵/۵۰	۲/۲۲	۹۲/۳
۱۹۹۲ ^(۴)	۲۴/۳۸	۲۸/۲۹	۳/۹۱	۸۶/۲
۱۹۹۳ ^(۵)	۲۴/۴۷ ^(۶)	۲۸ ^(۷)	۳/۵۳	۸۷/۵

1: A.H.ISMAIL, FUTURE GROWTH IN OPEC OIL PRODUCTION CAPACITY AND THE IMPACT OF ENVIRONMENTAL MEASURES, PRESENTATION TO THE SIXTH MEETING OF IEW, VIENNA, AUSTRIA, 22-24 JUNE, 1993,P:32.

۲- ظرفیت تولید نفت خام اوپک قبل از بحران خلیج فارس.

۳- ظرفیت تولید نفت خام اوپک در پایان سال ۱۹۹۱. شامل ۱/۵ میلیون بشکه در روز ظرفیت بلااستفاده عراق.

۴- ظرفیت تولید نفت خام اوپک در پایان سال ۱۹۹۲. شامل ۲ میلیون بشکه در روز ظرفیت بلااستفاده عراق.

۵- سال ۱۹۹۳ بدون در نظر گرفتن اکوادور (سالهای قبل از ۱۹۹۳ شامل اکوادور است).

6: ENERGY & OIL STATISTICS, OPEC, 4th Quarter, 1993.

7: PLATT'S PETROLEUM INSIGHT, Sept 20,1993.

نفت و پرنایم در نفت

توسط کشورهای مصرف کننده (بویژه کشورهای عضو OECD) و جانشینی انرژیهای غیرنفتی به جای نفت. در مجموع عوامل فوق‌الذکر باعث کاهش تدریجی قیمت‌های نفت خام در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ گردیدند. و به دنبال آن منجر به سقوط قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶ شد. بنابراین کاهش قیمت‌های نفت خام در نیمه اول دهه هشتاد و عدم وجود چشم‌انداز قیمت مناسب برای نفت خام، موجب کاهش سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی گردید و در نتیجه ظرفیتهای تولیدی نفت خام اوپک رو به کاهش نهاد، موضوعی که از لحاظ اقتصادی کاملاً قابل توجه بود. قابل ذکر است که سیاست اوپک در نیمه اول دهه هشتاد مبنی بر حفاظت از قیمت‌ها بوده و با کاهش تولید از یکسو و کاهش بهره‌وری از ظرفیتهای نفتی (جدول ۶) درصدد جلوگیری از کاهش قیمت‌های نفت خام برآمد، به طوری که بهره‌وری از ظرفیتهای نفتی در سال ۱۹۸۵ نسبت به سال ۱۹۷۹ در حدود ۲۹/۱۳ درصد کاهش یافت.

هر چند تولید نفت خام اوپک هماهنگ با کاهش ظرفیتهای نفتی و تقاضای نفت کاهش یافت اما نرخ کاهش تولید نفت خام سریعتر از نرخ کاهش ظرفیتهای نفتی به وقوع پیوست بنابراین طی سالهای ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۵ بازار با حجم عظیمی از ظرفیت مازاد اوپک روبه‌رو گردید (جدول ۶). در نیمه دوم دهه هشتاد، سازمان اوپک با

بدون شک وجود ظرفیتهای مازاد در شرایطی که بازار در حالت تعادل و یا اشباع (حالتی که در چند سال اخیر در بازار نفت مشاهده شده است) به سر برد، در صورت فعال شدن، می‌تواند بازار نفت خام را متاثر سازد.

حال با توجه به مطالب فوق‌الذکر به بررسی ظرفیتهای تولید نفت خام در کشورهای عضو اوپک می‌پردازیم.

بررسی ظرفیت تولید نفت خام اوپک

همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، ظرفیت تولید نفت خام اوپک از سال ۱۹۷۹ (دومین شوک نفتی) که قیمت‌های نفت خام به حداکثر خود رسید، شروع به کاهش نمود.

در واقع ظرفیت تولید نفت خام اوپک در سالهای ۱۹۷۹ الی ۱۹۹۳ تقریباً ۲۸/۲۱ درصد کاهش یافته و از ۳۹ میلیون بشکه به ۲۸ میلیون بشکه در روز تنزل پیدا کرده است (جدول ۶). دلیل عمده کاهش ظرفیت تولیدی اوپک را می‌توان در عدم سرمایه‌گذاری کشورهای عضو اوپک در اکتشاف منابع نفتی جدید و حفظ و نگهداری منابع در حال بهره‌برداری دانست. عواملی که موجب این امر گردیدند، به طور خلاصه عبارت بودند از کاهش سهم تولید اوپک در بازار نفت (به دلیل افزایش سهم غیر اوپک)، و به کسارگیری برنامه‌های صرفه‌جویی نفتی و به طور عام انرژی،

درصد روبه رو می‌گردیم. به عبارت دیگر ظرفیت مازاد اوپک در خلال سالهای ۱۹۸۵ الی ۱۹۹۳ از ۱۲/۰۵ میلیون بشکه به ۳/۵ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا می‌کند که تقریباً نشان دهنده ۷۰/۹۵ درصد کاهش است. در واقع آزاد شدن این ظرفیت مازاد هر چند توانست سهم اوپک در تولید جهانی نفت خام را افزایش دهد اما از سوی دیگر (چنانچه قبلاً اشاره شد) مانعی در مقابل رشد مناسب قیمت‌های نفت خام بود.

به کارگیری سیاست دستیابی به سهم بازار، شروع به افزایش تولید نفت خود نمود (در حالی که ظرفیتهای تولید نفت خام کماکان به سیر نزولی خود ادامه می‌داد). بهره‌وری اوپک از ظرفیت تولید نفت خام نیز در این دوره رشد چشمگیری پیدا کرد، به نحوی که در سال ۱۹۹۰ نسبت به سال ۱۹۸۵ در حدود ۵۱/۴۲ درصد افزایش داشت و چنانچه رشد بهره‌وری سال ۱۹۸۵ با سال ۱۹۹۳ مقایسه شود با رشدی معادل ۵۵/۵۲

جدول ۷- ظرفیت تولید نفت خام کشورهای عضو اوپک - ۱۹۹۳ / میلیون بشکه در روز

کشورها	ظرفیت‌های تولید نفت خام	درصد ظرفیت تولید از کل اوپک
ایران	۴/۱۰	۱۴/۶۴
عراق	۱	۳/۵۷
کویت	۲/۲۰	۷/۸۶
قطر	۰/۴۵	۱/۶۱
عربستان سعودی	۹/۲۵	۳۳/۰۴
امارات متحده عربی	۲/۴۰	۸/۵۷
مجموع کشورهای خلیج فارس:	۱۹/۴۰	۶۹/۲۹
الجزایر	۰/۸۰	۲/۸۶
گابون	۰/۳۰	۱/۰۷
اندونزی	۱/۴۰	۵
لیبی	۱/۵۰	۵/۳۶
نیجریه	۲	۷/۱۴
ونزوئلا	۲/۶۰	۹/۲۹
مجموع کشورهای خارج خلیج فارس:	۸/۶۰	۳۰/۷۱
کل اوپک	۲۸	۱۰۰

SOURCE: PLATT'S PETROLEUM INSIGHT, Sept 20, 1993, P:2.

نفت و برنامۀ دهم

ظرفیت تولید نفت خام اوپک تا سال ۲۰۰۰

همان‌طور که در ابتدا بیان گردید به منظور احاطه پیدا کردن نسبت به وضعیت آتسی بازار نفت لازم است که میزان ظرفیت‌های تولید نفت خام برای برهه مورد نظر، مورد مطالعه قرار گیرد. در همین راستا پیش‌بینی ظرفیت تولید نفت خام کشورهای عضو اوپک تا سال ۲۰۰۰ براساس اظهارنظرهای رسمی و همچنین براساس برآوردهای منابع ثانویه، در گزارش حاضر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. جدول ۸ نشان‌دهنده موارد فوق‌الذکر می‌باشد.

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، ارقام مربوط به ظرفیت تولید نفت خام اوپک برای سال ۱۹۹۵ دامنه‌ای مطابق با ۲۸/۴ - ۳۶ میلیون بشکه در روز و برای سال ۲۰۰۰ دامنه‌ای مطابق با ۳۱/۲ - ۴۰ میلیون بشکه در روز را نشان می‌دهد.

به عبارت دیگر ظرفیت تولید نفت خام اوپک از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۵ در حدود ۱/۴۳ - ۲۸/۵۷ درصد رشد و نسبت به سال ۲۰۰۰ در حدود ۱۱/۴۳ - ۴۲/۸۶ درصد رشد خواهد داشت. حال اگر میانگین برآورد حداقل و حداکثر ظرفیت تولیدی اوپک توسط منابع ثانویه را برای سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ محاسبه نماییم به ترتیب به ارقام ۳۲/۲ میلیون بشکه و ۳۵/۶ میلیون بشکه در روز دست پیدا می‌کنیم که در واقع

ظرفیت تولید نفت خام اوپک و خلیج فارس

شش کشور از دوازده کشور عضو اوپک در منطقه خلیج فارس قرار گرفته‌اند؛ حال اگر به ظرفیت تولید نفت خام این شش کشور توجه شود، اهمیت و وزن منطقه خلیج فارس به وضوح آشکار خواهد شد. (جدول ۷)

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود در حدود ۶۹/۲۹ درصد از ظرفیت تولیدی اوپک در سال ۱۹۹۳ در منطقه خلیج فارس متمرکز شده است. این موضوع اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس را برای بازار نفت و بویژه کشورهای مصرف‌کننده نفت خام روشن می‌سازد. به عبارت دیگر حفظ ثبات منطقه خلیج فارس و همچنین ایجاد جو تفاهم و درک متقابل در بین کشورهای خلیج فارس می‌تواند به ثبات بازار نفت کمک بسزایی بنماید و بدون شک نقش جمهوری اسلامی ایران با توجه به توان سیاسی - نظامی و جمعیت قابل توجه، در منطقه حائز اهمیت بسیار است.

شایان ذکر است که حضور نیروهای نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس به منظور ثبات پایدار در منطقه نه تنها قابل توجه نیست بلکه با ایجاد ثبات پایدار در تضاد می‌باشد. ایجاد جو تفاهم و همکاری به خصوص در زمینه مسائل مربوط به نفت خام هماهنگی و مساعدت کشورهای منطقه خلیج فارس را می‌طلبد.

جدول ۸- پیش‌بینی تحریریت تولید نفت خام اریک - سیزدهمین پیش‌بینی در ۲۰۰۵

نام کشور	انتظار نظرسنجی		EIA (1)		CGES (2)		H. AZZAM (3)		CERA (4)		PETROSTRATE GIES (5)	
	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰
ایران	۲/۵	۵	۳-۳/۳	۵.۸	۵	۵	۲	۲	۲/۹	۲/۹	-	-
برون	۴	۵۵۰-۴	۷۸-۳/۳	۴۴	۲/۲	۴	۳	۳	۲/۳	۲/۳	-	-
کویت	۷/۵	۳	۷/۱-۲/۲	۲/۷	۴	۴	۳	۳	۱/۹	۱/۹	-	-
قطر	۱/۵	۱/۵	۱/۵-۱/۹	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	-	-	-	-
عمان	۱۰	۱۰-۱۰/۵	۸/۸-۱۰/۳	۱۰	۱۱	۱۱	۱۲/۳	۱۲	۱۱	۱۱	-	-
امارات متحده عربی	۳	۳-۳/۲	۲/۲-۲/۸	۲/۷	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۳	۲/۸	۲/۸	-	-
الجزایر	۱	۱/۳	۱/۲-۱/۳	۱/۹	۱	۱	۱	۱	۱/۲	۱/۲	-	-
کریا	۰.۴	۰.۳	۱/۲-۰.۴	۰.۳	۰.۳	۰.۳	۰.۳	۰.۳	-	-	-	-
اندونزی	۱/۲	۱/۳	۱/۳-۱/۱۰	۱/۵	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	-	-
لبنان	۲/۲	۲/۳	۱/۲-۱/۷	۱/۸	۲	۲	۲	۲	۱/۷	۱/۷	-	-
نیجریه	۲/۵	۲/۳	۱-۲/۲	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	-	-
روزیلا	۲/۸	۳	۲-۲/۸	۲	۲/۵	۲/۵	۲/۳	۲/۳	۲/۷	۲/۷	-	-
کل اریک	۲۵.۱	۳۵۵-۲۸.۷	۷۸۲-۳/۳	۳۳۱	۳۹۵	۳۹۵	۳۵۳	۳۵۳	-	-	-	-

(1) EIA: International Energy Outlook, 1992.
 (2) CGES: Center for Global Energy Studies: Global oil Report, March-April 1993.
 (3) Energy Compass: 29th Jan, 1993, Pages 11-13.
 (4) CERA: Cambridge Energy Research Associates, Expanding Horizons: World Oil Supply Through 2005.
 (5) PETROS TRATE GIES, The world energy weekly, Vol 7, Feb. 1993.



نفت و پرفیلیم دووم

نفت باشد. در مورد افزایش ظرفیت تولید اوپک اظهارنظرهای متفاوتی به نظر می‌رسد، از طرفی سوپروتو دبیر کل اوپک معتقد است که تا پایان قرن حاضر تقاضای جهانی بمیزان ۷ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد و تا پایان قرن حاضر می‌بایست ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گیرد. البته برای دست‌یابی به ظرفیت تولید ۳۰ میلیون بشکه در روز اوپک (به جز عراق) مبلغ یکصد میلیارد دلار کافی است. از سوی دیگر مهدی ورزی کارشناس مؤسسه کلین ورث‌بنسون معتقد است که تا سال ۲۰۰۵ تقاضای جهانی نفت خام به میزان ۱۳ - ۱۲ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد و تنها تولیدکنندگان اوپک هستند که می‌بایست بخش اعظم این تقاضا را پاسخگو باشند. وی رقم ۸۰ میلیارد دلار

به ترتیب به میزان ۲/۹ میلیون بشکه و ۲/۵ میلیون بشکه در روز کمتر از برآورد منابع رسمی برای تولید سالهای ۱۹۹۵ (۳۵/۱ میلیون بشکه در روز) و ۲۰۰۰ (۳۸/۱ میلیون بشکه در روز) می‌باشد. به هر حال چنانچه سرمایه‌گذاری‌های لازم برای افزایش ظرفیت‌های تولید نفت خام در کشورهای عضو اوپک انجام گیرد و این سرمایه‌گذاری به نتیجه برسد، براساس برآورد مقامات رسمی اوپک در سال ۱۹۹۵ با ظرفیتی معادل ۳۵/۱ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۰۰ با ظرفیتی معادل ۳۸/۱ میلیون بشکه در روز برای اوپک مواجه خواهیم بود. مقایسه این ارقام با میزان تقاضای نفت خام در سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ و حجم ظرفیت مازاد، می‌تواند روشنگر آینده میان مدت و بلند مدت بازار

جدول ۹- «برنامه افزایش تولید عربستان - هزار بشکه در روز»

۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۸	۱۹۹۵	۱۹۹۳	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	-	نفت خام فوق سبک
۱۳۰۰	۸۵۰	۹۵۰	۱۰۵۰	۱۰۳۰	نفت خام بسیار سبک
۵۸۵۰	۵۳۰۰	۵۵۰۰	۵۳۰۰	۵۳۲۰	نفت خام سبک
۲۰۵۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۵	۱۹۹۰	نفت خام متوسط
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۸۰۰	۱۸۰۰	نفت خام سنگین
۱۰۴۵۵	۹۹۱۰	۱۰۲۱۵	۹۸۱۵	۹۰۴۰	کل تولید عربستان (به استثنای منطقه بی طرف)

منبع: مرکز مطالعات زکی پمانی (لندن)

را برای سرمایه‌گذاری اروپک تا سال ۲۰۰۰ کافی می‌داند.

برخی از وزرای نفت کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس اخیراً اظهار نظر کرده‌اند که با قیمت‌های جاری سرمایه‌گذاری در بخش بالا دستی نفت توجیه اقتصادی ندارد و چنانچه سرمایه‌گذاری لازم جهت افزایش تولید صورت نگیرد قیمت‌های نفت به دلیل کمبود عرضه نفت در آینده غیرقابل کنترل خواهد شد.

به نظر می‌رسد این کشورها سعی دارند با مطرح نمودن خطر قیمت‌های فوق‌العاده بالا رضایت کشورهای صنعتی را در افزایش محدود و نسبی قیمت‌های نفت جلب نمایند اما از طرف دیگر شواهد موجود بیانگر تداوم سرمایه‌گذاری آنان در بخش‌های مختلف صنعت نفت است. به عنوان نمونه عربستان برنامه منظمی جهت افزایش ظرفیت تولید خود از ۹ میلیون بشکه به ۱۰/۲۱۵ میلیون بشکه تا سال ۱۹۹۸ دارد که این برنامه بعید است با قیمت‌های ملایم نفت مختل شود. (جدول ۹)

تقاضای جهانی انرژی و عرضه و تقاضای نفت

الف: تقاضای جهانی انرژی و جایگاه نفت: برای بررسی این مهم ابتدا وضعیت تقاضای انرژی را در دو سال گذشته و نیز در سال‌های جاری در کشورهای گروه OECDE مرور می‌نمائیم.

از سال ۱۹۹۲ تاکنون سهم نفت در میان سایر انواع انرژی با استحکام توأم با بهبودی

همراه بوده بطوریکه سهم نفت از ۴۳/۴۵ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴۳/۴۶ درصد در سال‌های جاری رسیده است و این پدیده در مقابل جایگاه نفت در سال‌های گذشته که همواره نفت سهم خود را از دست می‌داد جای بسی امیدواری است. در مقابل سهم زغال سنگ در میان سایر انواع انرژیها روبه کاهش است و این بدلیل ارزان بودن سایر منابع انرژی از جمله نفت از یکسو و نقش آلوده‌کنندگی آن از سوی دیگر است بررسی وضعیت انرژیهای گاز و برق بیانگر جایگاهی مستحکم برای آنان در آینده انرژی جهان است. (جدول ۱۰)

آژانس بین‌المللی انرژی در آخرین گزارش خود که چند روز قبل منتشر گردید ارقام مربوط وضعیت انرژیهای اولیه را تا سال ۲۰۱۰ منتشر ساخته است براساس این آمار تا سال ۲۰۰۰ مصرف نفت بجز کشورهای گروه شوروی سابق که با ۲/۵ درصد رشد منفی مواجه هستند در سایر نقاط جهان با متوسط رشدی بمیزان ۱/۶ درصد مواجه بود رشد مصرف نفت در سال ۲۰۱۰ بمیزان ۲ درصد خواهد بود اما سهم نفت در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ نسبت سه سال با کاهش توأم خواهد بود.

سهم جهانی نفت در بین انرژیهای دیگر در سال ۱۹۹۱ به میزان ۳۹/۲ درصد بود که این سهم در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ به ترتیب ۳۸/۶ و ۳۷/۲ درصد تنزل خواهد نمود.

در میان سایر انواع انرژی بجز نفت رشد گاز و انرژی اتمی و زغال سنگ و انرژی آبی

نفت و پیرزایه دوام

جدول شماره ۱۰- وضعیت انرژیهای اولیه در کشورهای OECD

درصد	۱۹۹۴		۱۹۹۳		۱۹۹۲		میانگین
	درصد رشد	میلون بشکه معادل نفت در روز	درصد رشد	میلون بشکه معادل نفت در روز	درصد رشد	میلون بشکه معادل نفت در روز	
۳۳/۴۶	۰/۹۰	۲۶/۵۶	۰/۴۷	۲۶/۲۴	۴۳/۴۵	۱/۱۴	نفت
۲۱/۹۱	-۰/۳۸	۱۸/۴۳	-۰/۹۶	۱۸/۵۰	۲۲/۲۹	-۲/۳۸	زغالسنگ
۲۰/۵۸	۱/۷۰	۱۷/۳۱	۱/۵۵	۱۷/۰۲	۲۰/۳۴	۱/۳۱	گاز
۱۴/۰۵	۱/۴۶	۱۱/۸۲	۲/۲۸	۱۱/۶۵	۱۳/۷۲	۰/۳۱	برق
۱۰۰	۰/۸۵	۸۴/۱۲	۰/۴۶	۸۳/۴۱	۱۰۰	۰/۳۶	جمع



پیش‌بینی می‌شود با ۷۰۰ هزار بشکه افزایش در روز به ۶۵/۵۸ میلیون بشکه در روز در سالجاری برسد.

از تقاضای یاد شده تولیدات غیراوپیک ۴۱/۱۲ میلیون بشکه در روز را در سالجاری پاسخگو خواهند بود در صورتی که تولیدات غیراوپیک در سال گذشته ۴۰/۸۵ میلیون بشکه در روز بود در واقع در سالجاری تولیدات غیراوپیک نه تنها بمانند سالهای گذشته با روند نزولی توأم نبوده بلکه با افزایش نسبی نیز همراه خواهد بود. پاسخگوی باقیمانده تقاضای جهانی نفت اوپیک است که در سال گذشته تقاضای برای اوپیک و ذخیره‌سازی ۲۴/۰۳ میلیون بشکه در روز بود اما اعضای اوپیک به جای آن ۲۴/۷۱ میلیون بشکه در روز تولید

در سال ۲۰۰۰ به ترتیب ۱/۸ و ۱/۵ و ۱/۶ و ۳/۱ درصد نسبت به سال ۱۹۹۱ خواهند بود اما سهم گاز تا سال ۲۰۱۰ همواره روبه افزایش خواهد بود. سهم گاز در بین سایر انرژیها در سال ۱۹۹۱ بمیزان ۲۲ درصد بود که در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ به ۲۲/۱ و ۲۳/۵ درصد افزایش خواهد یافت. (جدول ۱۱)

ب - عرضه و تقاضای کوتاه مدت :
برای پی بردن به چشم‌انداز بلند مدت عرضه و تقاضای جهانی نفت لازم است وضعیت کنونی عرضه تقاضا و نیز پیش‌بینی کوتاه مدت آن را مورد توجه قرار دارد. (جدول ۱۲)
در سال گذشته (۱۹۹۳) تقاضای جهانی نفت ۶۴/۸۸ میلیون بشکه در روز بود که

جدول ۱۱ - پیش‌بینی مصرف انواع مختلف انرژی در جهان

درصد رشد

(میلیون بشکه معادل نفت)

کشور	سال	۱۹۹۱	۲۰۰۰	۲۰۱۰	رشد سال	
					رشد سال ۲۰۰۰ نسبت به ۱۹۹۱	رشد سال ۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۰
نفت	۶۱/۴	۷۰/۶	۸۶	۱/۶	۲	
گاز	۳۲/۵	۴۴/۰	۵۴/۴	۱/۸	۳	
زغال‌سنگ	۴۵/۵	۵۲/۵	۶۷/۳	۱/۶	۲/۵	
انرژی اتمی	۱۰/۹۸	۱۲/۶۲	۱۴/۱۲	۱/۵	۱/۱	
انرژی آبی	۲/۸۰	۵/۰۲	۶/۶۰	۳/۱	۲/۸	
سایر انواع	۰/۴۴	۱/۶۸	۲/۹۰	۱۱/۷	۵/۶	
جمع	۱۵۶	۱۸۲/۹	۲۳۱/۲	۱/۷	۲/۴	

نفت و برنامۀ نفت

جدول ۱۲ - عرضه و تقاضای جهانی نفت - میلیون بشکه در روز

متوسط سال	فصل چهارم ۱۹۹۴	فصل سوم ۱۹۹۴	فصل دوم ۱۹۹۴	فصل اول ۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۶۵/۵۸	۶۶/۸۲	۶۴/۷۴	۶۴/۱۶	۶۶/۵۸	۶۴/۸۸	۶۵/۱۲	۶۴/۷۷	۶۴/۵۷	تقاضای جهانی نفت
۴۱/۱۲	۴۱/۲۱	۴۰/۹۵	۴۰/۹۳	۴۱/۳۸	۴۰/۸۵	۴۱/۳۸	۴۲/۱۶	۴۲/۲۸	تولیدات غیراوپک
۲۴/۴۶	۲۵/۶۱	۲۳/۷۹	۲۳/۲۳	۲۵/۲۰	۲۴/۰۳	۲۳/۷۴	۲۲/۶۱	۲۲/۲۹	تقاضای برای نفت اوپک و ذخیره سازی
				۲۴/۸۳	۲۴/۷۱	۲۴/۰۵	۲۳/۰۱	۲۲/۷۱	تولید اوپک
				-۰/۳۷	۰/۶۸	۰/۳۱	۰/۴	۰/۴۲	تراز

۱/۳ درصد پیش بینی می شود که با در نظر گرفتن این متوسط رشد تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۰۰ بصورت زیر خواهد بود.

نمودند که در نتیجه روزانه به طور متوسط در سال گذشته میلادی ۶۸۰ هزار بشکه در روز برحجم ذخائر مصرف کنندگان افزوده شد.

تقاضا برای نفت اوپک در سال جاری تنها ۲۳۰ هزار بشکه در روز افزایش می یابد (۲۴/۴۶۰ میلیون بشکه در روز) که در حال حاضر اوپک حداقل نیم میلیون بشکه در روز بیش از آن تولید می کند از این رو امکان افزایش قیمت های نفت در سال جاری نسبت به سال گذشته بسیار بعید به نظر می رسد.

برآورد تقاضای جهانی نفت
میلیون بشکه در روز

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴
۶۷/۲۹۰	۶۶/۴۳۰	۶۵/۵۸۰
۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷
۶۹/۹۵۰	۶۹/۰۵	۶۸/۱۶۰
	۲۰۰۰	
	۷۰/۸۶	

ج - پیش بینی تقاضای جهانی نفت:

بررسی وضعیت اقتصاد جهان بیانگر آنست که متوسط رشد اقتصادی جهان تا سال ۲۰۰۰ حدوداً ۲/۵ درصد خواهد بود که از این طریق متوسط رشد مصرف نفت

جدول ۱۳ - پیش‌بینی تقاضا و ظرفیت تولید جهانی نفت - میلیون بشکه در روز

منبع	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۲۰
آژانس بین‌المللی انرژی	۶۶/۳		۷۷/۳		۹۲/۵	
کمیته اقتصادی اروپا	۶۶/۱	۷۰/۵	۷۶/۷	۸۱/۵		
مرکز مطالعات		۷۰/۳	۷۸/۴			
زکی بمانی						
کمپانی موبیل		۶۹/۵	۷۶/۸			
دبیرخانه اوپک	۶۴/۲	۶۵/۷	۶۹/۴		۷۶/۴	۸۲/۱
حداقل و حداکثر	۶۴/۲-۶۶/۳	۶۵/۷-۷۰/۵	۶۹/۴-۷۸/۴	۸۱/۵	۷۶/۴-۹۲/۵	۸۲/۱
ظرفیت تولید نفت جهان	۶۹/۵	۷۳	۷۸/۸		۸۱/۲	۸۱/۵
ظرفیت مازاد	۳/۲-۵/۳	۲/۵-۷/۳	۰/۴-۹/۴		۱۱/۳-۴/۸	-۰/۶

در این مورد برخی از منابع بین‌المللی پیش‌بینی‌هایی منتشر نموده‌اند که مهمترین آن‌ها بشرح جدول ۱۳ است. (در ضمن جدول ۱۳ مقایسه ظرفیت تولید نفت جهان با حداقل و حداکثر تقاضای جهانی پیش‌بینی شده محدودۀ ظرفیت مازاد تولید نفت را در جهان نشان می‌دهد)

د - پیش‌بینی تقاضای جهانی برای نفت اوپک:

بدیهی است با در نظر گرفتن ارقام مختلف از منابع مختلف در مورد تقاضای جهانی نفت به حالت‌های مختلفی در مورد تقاضای جهانی برای نفت اوپک دست می‌یابیم از اینرو می‌بایست ارقام یک منبع را بپذیریم و یا میانگین ارقام مختلف را در نظر بگیریم که در نظر گرفتن میانگین از نظر کارشناسی امر قابل قبولی نیست از اینرو به سه دلیل ارقام دبیرخانه اوپک را در نظر

می‌گیریم:

- ۱- سازمان اوپک در انتشار ارقام خود مانند برخی از منابع دیگر بدنبال القاء هدف خاصی نیست.
- ۲- ارقام تقاضای جهانی نفت که متعلق به دبیرخانه اوپک است حداقل ارقام مابین منابع اشاره شده می‌باشد.
- ۳- ارقام دبیرخانه اوپک با ارقام بدست آمده که براساس ۲/۵ درصد متوسط رشد اقتصادی و ۱/۳ درصد رشد سالیانه تقاضای نفت تا سال ۲۰۰۰ می‌باشد بسیار نزدیک است.

با در نظر گرفتن تقاضای جهانی نفت بحیزان ۶۵/۷ میلیون بشکه در روز و نیز تولید غیر اوپک بحیزان ۳۷/۸ میلیون بشکه در روز تقاضای باقیمانده برای نفت اوپک در سال ۱۹۹۵ میلادی به ۲۷/۹ میلیون بشکه در روز بالغ خواهد شد جدول (۱۴) در صورتی که ظرفیت تولیدی اوپک در آن

جدول ۱۴ - تقاضای جهانی نفت اوپک
(میلیون بشکه در روز)

۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۰	
۸۹۰۸/۷	۸۱۵۸/۸	۷۷۷۶/۹	تقاضای جهانی انرژی (میلیون تن معادل نفت)
۶۹/۴	۶۵/۷	۶۴/۲	تقاضای جهانی نفت
۳۸/۴	۳۹/۷	۴۰/۷	سهم نفت در مجموعه انرژیهای اولیه (درصد)
۳۷	۳۷/۸	۳۹/۴	تولید نفت تولیدکنندگان مستقل نفتی (غیر اوپک)
۳۲/۴	۲۷/۹	۲۴/۸	تولید اوپک
۳۸/۱	۳۵	۲۶/۷	ظرفیت تولید اوپک
۵/۷	۷/۱	۱/۹	ظرفیت مازاد اوپک
۸۵	۷۹/۷	۹۲/۹	درصد ظرفیت فعال اوپک

بیشتر از طریق فروش بشکه‌های بیشتر نفت روی آورده‌اند در نتیجه به نظر می‌رسد اکثریت تولیدکنندگان اوپک و غیر اوپک از حداکثر ظرفیت تولیدی خود استفاده خواهند کرد تا بتدریج ظرفیت مازاد اوپک تا سال ۲۰۰۰ کاهش یابد و به ۵/۷ میلیون بشکه در روز برسد که در اینصورت از فشار بر قیمت‌های نفت بتدریج کاسته می‌شود اما امکان افزایش قابل توجهی در قیمت‌های بین‌المللی نفت بعید خواهد بود. مگر آنکه تحولاتی سیاسی موجب افزایش سریع قیمت‌های نفت گردد همانگونه که در دهه ۷۰ و ۸۰ شاهد آن بودیم. در این حالت مسائل جهانی مربوط به محیط زیست

زمان ۳۵ میلیون بشکه در روز است و در واقع اوپک با ۷/۱ میلیون بشکه در روز ظرفیت مازاد روبرو خواهد بود که تأثیر آن فشاری است که بر قیمت‌های جهانی نفت وارد خواهد شد. بویژه آنکه تولیدکنندگان غیر اوپک هیچگونه تمایلی به همکاری با این سازمان در تنظیم بازار نفت نداشته و برخی از اعضا نیز متقابلاً سعی در استفاده از توان تولیدی خود جهت متقاعد نمودن تولیدکنندگان غیر اوپک در جهت همکاری با آن و کاستن از تولید دارند. از طرف دیگر اکثر اعضای اوپک که از بدست آوردن درآمد بیشتر از طریق قیمت‌های بالاتر مایوس گشته‌اند به سیاست کسب درآمد



جدول ۱۵- تقاضای جهانی نفت اوپک- سناریوی محیط زیست
(میلیون بشکه در روز)

۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۰	
۸۶۷۵/۶	۸۰۶۴/۳	۷۷۷۶/۹	تقاضای جهانی انرژی (میلیون تن معادل نفت)
۶۷/۵	۶۴/۹	۶۴/۲	تقاضای جهانی نفت
۳۸/۳	۳۹/۶	۴۰/۷	سهم نفت در مجموعه انرژیهای اولیه (درصد)
۳۶/۹	۳۷/۸	۳۹/۴	تولید نفت تولیدکنندگان مستقل نفتی (غیراوپک)
۳۰/۶	۲۷/۱	۲۴/۸	تولید اوپک
۳۸/۱	۳۵	۲۶/۷	ظرفیت تولید اوپک
۷/۵	۷/۹	۱/۹	ظرفیت مازاد اوپک
۸۰/۳	۷۷/۴	۹۲/۹	درصد ظرفیت فعال اوپک

جدول شماره ۱۶- تقاضای جهانی نفت اوپک- سناریوی محیط زیست
(میلیون بشکه در روز)

۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۰	
۸۷۷۳/۴	۸۴۰۰/۲	۸۰۳۲/۷	۷۷۷۶/۹	تقاضای جهانی انرژی (میلیون تن معادل نفت)
۶۱/۱	۶۵/۳	۶۴/۶	۶۴/۲	تقاضای جهانی نفت
۳۴/۵	۳۸/۴	۳۹/۶	۴۰/۷	سهم نفت در مجموعه تولید نفت تولیدکنندگان مستقل نفتی (غیراوپک)
۳۶/۷	۳۷	۳۷/۸	۳۹/۴	تولید اوپک
۲۴/۴	۲۸/۳	۲۶/۸	۲۴/۸	ظرفیت تولید اوپک
۴۰/۶	۳۸/۱	۳۵	۲۶/۷	ظرفیت مازاد اوپک
۱۶/۲	۹/۸	۸/۲	۱/۹	درصد ظرفیت فعال اوپک
۶۰/۱	۷۴/۳	۷۶/۶	۹۲/۹	

نفت و برنامه دوه

بالغ خواهد گردید. در سناریوی افراطی برای مبارزه با آلودگی محیط زیست آینده تقاضا برای ظرفیت بازار اوپک و (قیمت‌های نفت) بسیار تیره و تاریک خواهد بود. (جدول ۱۶)

□ □ □

مدنظر قرار نگرفته شده اما چنانچه سیاستهای جهانی محیط زیست به اجراء درآید کاهش قابل ملاحظه‌ای در تقاضای جهانی نفت خواهد داشت، زیرا در این صورت رشد تقاضای نفت تحت فشار قرار خواهد گرفت که آثار آن بویژه از سال ۱۹۹۵ به بعد خودنمائی خواهد کرد. (جدول ۱۵)

همچنانکه در این سناریو مشاهده می‌شود درصد سهم نفت در سالهای ۱۹۹۵ به بعد کاهش می‌یابد و در نتیجه کاهش تقاضا برای نفت ظرفیت مازاد اوپک از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ کاهش قابل توجهی نمی‌یابد (صورت تحقق این سناریو بهبودی در قیمت‌های نفت تا سال ۲۰۰۰ قابل توجه نخواهد بود) از طرف دیگر جامعه اروپا پیشنهادی افراطی جهت کاهش میزان CO₂ ارائه نموده و معتقد است که ۱۰-۳ دلار مالیات انرژی بر هیدروکربورهای وارداتی برای تثبیت گاز CO₂ کافی نیست زیرا در اینصورت فقط از افزایش میزان این گاز در جو جلوگیری می‌شود درحالیکه می‌بایست سیاستهای مقتضی در جهت کاهش این گاز بمقدار ۲۰ درصد اتخاذ نمود در این سناریو ظرفیت مازاد اوپک نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه تا سال ۲۰۱۰ این ظرفیت با روند افزایشی توأم خواهد بود از اینرو ظرفیت مازاد اوپک از ۱/۹ میلیون بشکه در روز به ۸/۲ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۵ و ۹/۸ در سال ۲۰۰۰ و سرانجام به ۱۶/۲ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰